

درباره کوچه آیت... شیرازی ۹ که قدیمی‌ها آن را با نام «آب‌میرزا» می‌شناسند

کوچه‌شخصیت‌های خاص مشهد

رضاسلیمان‌نوری| کوچه‌ها به‌عنوان بخشی از نظام شهری هرکدام داستان خاص خود را دارند. برخی از آن‌ها به شاخصه‌های معماری خود و برخی به بناهایی که از آن‌ها میزبانی کرده‌اند یا می‌کنند، شناخته می‌شوند. برخی هم محل وقوع حادثه‌ای تاریخی هستند و بدین دلیل نامشان در ذهن مردم ثبت شده‌است و سرانجام دسته‌ای دیگر از کوچه‌ها به‌دلیل سکونت افرادی برجسته در طول زمان در آن‌ها، دارای اهمیتی ویژه در تاریخ شهر و حتی کشور هستند و به همین دلیل، مردم بانام آن‌هاآشنایی دارند. کوچه‌آب‌میرزا که اکنون روی تابلوی نصب‌شده در ابتدای آن علاوه‌بر این نام کهن، نام «آیت... شیرازی ۹، نیز خودنمایی می‌کند، از این دسته آخر است، تاحدی که می‌توان آن را کوچه چهره‌های خاص مشهد لقب داد.



عصر قاجار

کوچه آب‌میرزای کنونی از کوچه‌های کهن مشهد محسوب می‌شود، تاجایی که ردپایش در نقشه دالمج ترسیم‌شده به سال۱۲۴۸خورشیدی رُویت‌شدنی است، البته کوچه آب‌میرزای میانه حکومت قاجارها بر ایران، نه‌تنها با کوچه کنونی که با کوچه دوران پهلوی هم تفاوت‌های بسیار داشته است. براساس آنچه در این نقشه ترسیم شده است، کوچه قاجاری بسیار کوتاه‌تر از کوچه کنونی بوده و تنها چند پلاکی پس از تقاطع با کوچه شهید رازفری با بهجت یک کنونی، ادامه داشته است. تمام بخش غربی کوچه تا تقاطع ذکرشده را نیز باغ‌های مجاور خانه مرحوم سپهسالار به خود اختصاص داده بود. جانب غربی، حدفاصل انتهایی این کوچه تا حاشیه باغات مشجری که مجاور کوچه تاجرباشی آن دوران و ساسان سال‌های بعد و بهجت ۳ کنونی بود را هم خانه‌باغ شجاع‌الدوله دربر گرفته بود. همچنین این راسته کوچه در آن دوران، تنها یک فرعی بن‌بست در جانب شرقی تقریباً در میانه مسیر اصلی داشته است.

نکته درخورتوجه دیگر درباره آب‌میرزا، این است که در دوران قاجار از بالاخیابان، حدفاصل برج‌وباروی غربی شهر تا حرم مطهر، بیست کوچه در سمت شمالی منشعب می‌شده که کوچه آب‌میرزا دهمین کوچه و یکی از طولانی‌ترین آن‌ها بوده است. همچنین سکونت شجاع‌الدوله، از رجال برجسته عهد ناصری مشهد، در این کوچه، نشان از جایگاه آن در نظام شهری وقت مشهد داشته است.



موقعیت کوچه آب میرزا بر روی نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی

دوران معاصر

کوچه آب‌میرزا جزو کوچه‌هایی است که براساس اجرای طرح نوسازی و بهسازی اطراف حرم مطهر رضوی، تغییرات بسیاری را به خود دیده است. این تحولات به‌حدی بوده است که اکنون هیچ اثری از قدیمی‌ترین فرعی کوچه که روزگاری محل سکونت خاندان مشهور حافظیان بوده‌است و در نقشه دالمج هم می‌توان آن را مشاهده کرد، دیده نمی‌شود. اکنون اگر از خیابان آیت... شیرازی وارد کوچه شویم، در جانب شرقی پس از ساختمانی که طبقه بالای آن تخریب شده‌است و در طبقه پایین، میزبان چهار پلاک تجاری است، تمام کوچه را تا یک پلاک مانده به تقاطع با بهجت یک، مجموعه‌ای تجاری اقامتی درحال ساخت اشغال کرده‌است. آخرین پلاک‌نیش کوچه هم پلاکی تخریبی است که روزگاری، بستی فروشی مشهوری بود. اما جانب دیگر کوچه از تقاطع خیابان آیت... شیرازی تا تقاطع بهجت یک، به پلاک‌های متعدد فروش محصولات موردنیاز زائران از قبیل فروشگاه‌های سوغات و خواربارفروشی و همچنین مهمان‌پذیرهای مختلف تبدیل شده است، البته در این بین، دری با پلاک ۲۰ هم قرار دارد که ورودی اختصاصی و خانوادگی منزل مرحوم آیت...العظمی شیرازی است. آخرین پلاک این بخش از کوچه به یک بنای ویژه تعلق دارد. این بنای دونیش، یک هتل سنتی

دوران پهلوی اول

کوچه آب‌میرزا، حدفاصل دوران ناصری تا پایان حکومت پهلوی اول، مانند بسیاری دیگر از فضاهای شهری مشهد تغییرات چشمگیری را به خود دیده است. یکی از این تغییرات مهم، حذف کامل فضای سبز غربی کوچه و تبدیل آن به تعدادی پلاک مسکونی و البته تجاری بزرگ است. بسیاری از این پلاک‌ها دراختیار ایرانیان مهاجرت کرده ازقفقاز(پس از تصاحب این منطقه توسط شوروی) قرار داشته است. بیشتر این افراد به شغل کفاشی اشتغال داشته‌اند و به همین دلیل، این محدوده در آن دوران، مرکز مهم تولیدکش‌هایی چون ارسی و گالش در مشهد و شرق ایران، شناخته می‌شده است.

تخریب باغات درون شهری مشهد در این دوره زمانی، باعث متصل شدن کوچه آب‌میرزا به کوچه تاجرباشی وقت و خروج مسیر مستقیم آن از بن‌بست شده است. همچنین در این دوران، دومین فرعی بزرگ کوچه، اندکی پس از تقاطع آن با راسته کوچه ته‌پل محله یا بهجت یک متولد می‌شود. این کوچه از همان دوران به‌دلیل سکونت یکی از خاندان‌های مشهور وابسته به قاجار مشهد، با نام «کوچه مادرشاهی، شناخته شده است.

باید یادآوری کنیم در این دوران، یکی از خانه‌های کوچه مادرشاهی به‌عنوان نخستین مکان مدرسه دخترانه ایرانندخت مشهد، استفاده می‌شد. ناگفته نماند که از سال‌های پایانی دوران قاجار به‌دلیل ایجاد آب‌انباری بزرگ در این کوچه، در مجاورت خانه‌باغ شجاع‌الدوله، کوچه به نام لقب مالک آن که یکی از بزرگان سادات رضوی بوده است، به کوچه آب‌میرزا معروف می‌شود.

دوران پهلوی دوم

کوچه آب‌میرزا در دوران پهلوی دوم، تغییر چندانی را از نظر شرایط به خود نمی‌بیند. تنها در سال‌های پایانی این دوره در بخش شمالی کوچه و پس از تقاطع راسته کوچه منتهی به ته‌پل محله، دو فرعی بن‌بست کوچک، یکی در جانب شرقی و دیگری در جانب غربی، بر اثر تقسیم خانه‌های بزرگ قدیمی کوچه به خانه‌های کوچک‌تر ایجاد می‌شود، البته با وجود این تغییر، خانه‌های قسمت شمالی کوچه که در بخشی از این دوران به نام کوچه «مشهدی‌عبدا...» هم شناخته می‌شد، بازهم جزو خانه‌باغ‌های بزرگ محدوده اطراف حرم مطهر رضوی محسوب می‌شدند. دیگر تغییر مهم رخ‌داده در کوچه در این دوره زمانی، تغییرکاربری اغلب خانه‌های بخش جنوبی کوچه به مسافرخانه و بناهای اقامتی برای پذیرایی از زائران است. همچنین در این دوره زمانی، کارکرد مغازه‌های محدوده به‌طورکامل عوض شده، پیشه کفاشی در این محدوده تقریباً به فراموشی سپرده می‌شود و به‌جای آن در بیشتر مغازه‌ها، مایحتاج زائران عرضه می‌شود. این تغییر وضعیت پس از اقامت آیت...العظمی سیدعبدا... شیرازی در خانه‌ای مجاور بالاخیابان کوچه که دری هم در این کوچه داشته است، در سال ۱۳۵۴ تشدید می‌شود.



نمایی از زانرسرای فاطمیه

بزرگان کوچه

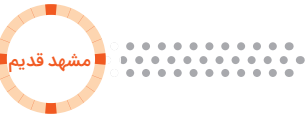
و اما همان‌گونه که اشاره شد، کوچه آب‌میرزا بیش از هرچیز به چهره‌های شاخص ساکن آن شناخته می‌شود. آیت...العظمی سیدعبدا... شیرازی یکی از این افراد است که بزرگ‌ترین چهره دینی ساکن کوچه در تمام عمر آن محسوب می‌شود. وی از بهمن۱۳۵۴ یعنی پنج‌ماه پس از مهاجرت به ایران، در اعتراض به اقدامات رژیم بعث عراق علیه ایرانیان ساکن این کشور، ساکن مشهد شد و تا پایان عمر در بهمنماه۱۳۶۳ در خانه دارای ورودی از کوچه آب‌میرزا زندگی کرد. حضور مؤثر آیت...شیرازی در فعالیت‌های انقلابی مردم مشهد در سال۱۳۵۷، کوچه آب‌میرزا را به یکی از کوچه‌های مهم تاریخ انقلاب در مشهد تبدیل کرد؛ زیرا رفت‌وآمد سران انقلاب به منزل آیت... از در داخل کوچه و نه در اصلی خانه انجام می‌گرفت. علامه سیدابوالحسن حافظیان، دیگر چهره برجسته ساکن کوچه آب‌میرزاست. منزل پدری حافظیان بزرگ که از او به‌عنوان یکی از چهره‌های برتر عرفان ایران در سده گذشته و سازنده ضریح چهارم حرم مطهر رضوی -موسم به ضریح شیروشکر- یاد می‌شود، در این کوچه قرار داشت و وی دوران نوجوانی و جوانی خود را در آن گذراند. متأسفانه این منزل آن روزگار در فرعی تخریب‌شده شرقی کوچه قرار داشت و اکنون اثری از آن نیست.

دکتر محسن نجات‌حسینی، یکی دیگر از چهره‌های برجسته متولد آب‌میرزاست. وی که روزگار کودکی خود را در یکی از خانه‌های فرعی دوم شرقی کوچه یعنی کوچه مادرشاهی پشت‌سر گذاشته است، نویسنده کتاب «بر فراز خلیج فارس، و استاد فیزیک‌هسته‌ای دانشگاهی در سوئد است. نجات‌حسینی همچنین شاگرد مدارس حاجی‌عابدزاده بوده و به‌عنوان یکی از نخستین اعضای سازمان مجاهدین خلق قبل از انقلاب و منافقین کنونی، نخستین هواپیماربایی تاریخ ایران را مرتکب شده است.

مرحوم مه‌مایی، از تاجران بزرگ فرش مشهد در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، مرحوم قاسم‌زاده ازگردانندگان جلسات دینی انجمن پیروان قرآن مشهد، خاندان‌های هاشمیان، معامله‌گر، رحمتی، منوی و مرگن که یکی از اعضای این خاندان یعنی حاج‌عباس مرگن، واقف بنای حسینیه موسی‌بن‌جعفر^(ع) در کوچه مادرشاهی است، از دیگر چهره‌های مشهور کوچه آیت...شیرازی ۹ به‌شمار می‌آیند.



نمایی از تقاطع کوچه آب میرزا با بهجت ۳



گذری بر تاریخ چند بازار قدیمی مشهد



نمایی از بازار حضرت پیش از تخریب

کمال‌سیستانی| احمد ماهوان جایی در کتاب «تاریخ مشهدالرضا^(ع)، می‌نویسد: «راه ارتباطی بین نوغان، سناباد و توس در قرن اول و دوم هجری از هرجا که می‌گذشت، بی‌شک پس از به خاک سپردن پیکر مطهر حضرت رضا^(ع) در باغ حمیدبن قحطبه، در طول زمان به[صورت] یک گذرگاه زیارتی‌تجارتی به نام بازار درآمد، زیرا زیارتگاه‌ها همیشه از مراکز تجاری پررونق زمان بوده‌اند و در این میان می‌توان بازار سناباد توس را از قدیمی‌ترین این بازارها در ایران دانست». جالب است بدانید که مشهد به‌جز بازار فرش دارای چند بازار خیلی قدیمی‌تر بوده که این روزها تنها نامشان در کتاب‌ها و اسناد برجای مانده است. این بازارها که درواقع در دل بازار قدیم مشهد جای داشتند، در پژوهش احمد ماهوان، این‌طور معرفی می‌شوند: «بازارهای زنجیر، سرشور، وزیرنظام، سنگ‌تراش‌ها،حضرتی،ساعت،متولی،زرگرهاونقاره‌خانه‌به‌عنوان بازارهای مشهد در ابتدای قرن اخیر هستند که حالا تنها یاد و نامی از آن‌ها مانده است.

● بازارزنجیر

زمان قدیم اطراف حرم امام‌رضا^(ع) در دوسوی تنهاخیابان سراسری مشهد، یعنی «بالاخیابان» و «پایین خیابان»، که به صحن عتیق صفوی منتهی می‌شد، محدوده‌ای امن و فضای درگاه‌ماندنی به نام «بست، ساخته بودند که تعقیب فراریان و مجرمان در داخل آن محدوده، ممنوع بود؛ زیرا مردم معتقدبودندکه آستان حضرت‌رضا^(ع) حریمی امن است و کسی که به‌آن پناه می‌آورد، مستحق مداراست. دومین معبر و گذرگاه وسیع منتهی به حرم، غیر از بالاخیابان و پایین‌خیابان، بازار سراسری مشهد بود که لازم بود همانند بست، نقطه‌ای را به نام محدوده امن پناهندگان به حشرتش مشخص کنند اما چون ساختن درگاه در بازار میسر نبود، در یک فضای مدور و میدانچه‌مانند در درون بازار که به آن «هشتی» می‌گفتند و در مقابل سرای شال‌فروشان قرار داشت، زنجیری بلند از وزنه گنبدی سقف بازار آویخته بودند. این زنجیر از نیمه راه به دو شاخه، تقسیم و هر شاخه آن نیز به پایه‌ای از دیوار طرفین بازار بسته می‌شد و درحقیقت دومین حریم امن رضوی بود که مجرمان به آن پناهنده می‌شدند. همین مسئله هم سبب شد بخشی از بازار سراسری مشهد در این نقطه به بازار زنجیر شهره شود. از این زنجیر، قندیل‌هایی آویزان بود. مردم در شب‌های سرور و اعیاد رسمی و نیز ایام سوگواری به این قندیل‌ها، چراغ، فانوس، شمع‌دان، شعل، پرده و پرچم و همچنین علم و بیرق عزاداری می‌آویختند و حاجت می‌طلبیدند. این بازار که در مجاورت حرم مطهر و مسجد گوهرشاد بود، مرغوب‌ترین بخش بازار قدیم مشهد محسوب می‌شد و از اهمیت تجاری ممتازی برخوردار بود.

● بازارسرشور

مشهد به‌عنوان یک شهر مذهبی، از زمان قدیم شاهد برپایی عزاداری‌های پرشکوه خامس آل‌عبا^(ع) به‌ویژه در ماه محرم و صفر بوده است و هیئت‌های مذهبی، دسته‌های سینه‌زنی، زنجیرزنی و شبیه‌خوانی مهمی هم داشته‌است که خودشان را از زیر بازارچه به حرم می‌رساندند. دسته معروف به «قمه‌زن‌ها، که به آن «دسته تیغ‌زن‌ها، یا دسته خونی» نیز می‌گفتند، جزواین هیئت‌ها بودند. اعضای این دسته که قمه می‌زدند، در جایی از بازار متوقف می‌شدند و خون سر و روی خود را می‌شستند تا پاک به حرم مشرف شوند. آن نقطه از بازار را که این دسته‌های عزادار قبل از ورود به صحن در حمام‌های آن تن می‌شستند، «بازار سرشور» می‌گفتند.

● بازار وزیرنظام

«میرافضل... نوری»، معروف به «وزیرنظام»، برادر میرزاآقاخان نوری، صدراعظم ناصرال‌الدین‌شاه قاجار که از سال ۱۲۶۹ قمری به اداره امور ایالت خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس منصوب شد، ابتدای والیکری‌اش، امر به ساختن بازار و یک سرای زیبا بین بست بالاخیابان و مدرسه دوگنبدکرد که به بازار و سرای وزیرنظام معروف شد. کلاه‌دوزان، صحافان، چرم‌دوزان، تیماج‌فروشان و کفاشان در این بازار به کسب‌وکار مشغول بودند. بعدها هم فیروزه‌تراشان پس از تخریب تیمچه حکاک‌ها به بازار نقل مکان کردند. هم‌زمان با شروع طرح توسعه حرم مطهر، این بازار نیز در سال ۱۳۵۴ شمسی خراب شد.

● بازارسنگ‌تراش‌ها

بازار سنگ‌تراش‌ها درواقع ادامه بازار زنجیر بود که صحن عتیق صفوی، آن دورا ازهم جدا کرده بود و شاخه شمالی بازار سراسرای مشهد به‌حساب می‌آمد. یکی از دلایل اختصاص این بخش از بازار به سنگ‌تراش‌ها، مجاورت آن با گورستان تاریخی قتلگاه یا باغ رضوان بود که در آن ظروف سنگی‌زنتی مانندسره‌کاره،کوزه،قلیان، قدر، جام دوات، سنگ‌قبر و ظروف آشپزخانه می‌تراشیدند. بعد از تخریب این بازار در سال ۱۳۵۴ شمسی، عده‌ای از سنگ‌تراش‌ها به یک گاراژ مسافری قدیمی در مجاورت کوچه ملک و عده‌ای نیز به حاشیه کوهسنگی مشهد نقل مکان کردند.

● بازارحضرتی

راه این بازار همان بخشی که از بازار سنگ‌تراش‌ها بود، در ضلع شمالی صحن عتیق صفوی در مجاورت حمام معروف به «گرمابه حضرت علی، با دلانی کوتاه‌جدا می‌شد. این شاخه یا ضلع فرعی، «بازار حضرتی» نام داشت که تا مقابل باغ رضوان در خیابان طبرسی ادامه می‌یافت. مغازه‌های بازار حضرتی اجناس موردنیاز زائران مانند عطر، مهر، تسبیح، انگشتری‌های نقره و بدلیجات، نبات و آجیل و اجناس خرازی را عرضه می‌کردند. در این بازار همچنین دو حمام قدیمی با معماری سنتی به نام‌های «گرمابه حضرتی» و گرمابه متولی، قرار داشت که هر دو تخریب شدند.

● بازار ساعت وبازار متولی

در مجاورت بست بالاخیابان در محل کتابخانه فعلی، یک بازار کوتاه به نام بازار ساعت بود. در این بازار که تا نزدیکی فلکه حضرت در مقابل باغ رضوان امتداد داشت، سماور، منقل، ظروف خانگی رویی، مسی، برنجی و سایر اجناس از قبیل صندوق و چمدان‌های فلزی به فروش می‌رسید. همچنین دو بازار کوچک در طرفین زیر نقاره‌خانه قد افراشته بودند که یکی به نام «بازار زرگرها، و دیگری به نام «بازار خراط‌ها، یا «بازار نقیب، معروف بود که محل کسب‌وکار و آموشدن بودند.